

نقش قزاقستان در گسترش روابط ایران و چین در آسیای مرکزی

سعید وثوقی*

استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان

عسگر صفری

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۱/۰۵)

چکیده

در یک دهه گذشته آسیای مرکزی بیشتر مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای بوده است. منافع و اقدامات این بازیگران بین‌المللی به شکل‌گیری فضای رقابتی در منطقه منجر شده است که از آن با عنوان بازی بزرگ جدید یاد می‌شود. این فضای رقابتی ناشی از عملکرد پویایی‌های درونی و بیرونی منطقه آسیای مرکزی است. قزاقستان از کشورهایی است که توانسته از راه به‌کارگیری نگرشی متعادل منافع زیادی را از این فضای رقابتی به‌دست آورد. با توجه به اهمیت قزاقستان در آسیای مرکزی، نقش آفرینی بیشتر سایر بازیگران مستلزم همکاری با این کشور است. هدف این نوشتار واکاوی مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی قزاقستان و بسترهایی است که این سیاست خارجی می‌تواند برای همکاری بیشتر دو کشور ایران و چین در آسیای مرکزی فراهم کند. پرسش نوشتار این است که ویژگی‌های اصلی سیاست خارجی قزاقستان چیست؟ و این ویژگی‌ها در چه زمینه‌هایی می‌تواند بر گسترش روابط ایران و چین در آسیای مرکزی تأثیر داشته باشد؟ یافته‌های نوشتار نشان می‌دهد که سه ویژگی، واقع‌گرایی، غیر ایدئولوژیک‌بودن و اولویت فعالیت‌های اقتصادی مهم‌ترین شاخص سیاست خارجی این کشور از زمان استقلال در منطقه آسیای مرکزی بوده است. سه ویژگی که بنابر با اولویت‌های سیاست خارجی ایران و چین در آسیای مرکزی است. با توجه به این موضوع، امنیت، منابع انرژی و حمل‌ونقل سه مؤلفه‌ای است که قزاقستان می‌تواند بستر ساز همکاری ایران با چین در آسیای مرکزی باشد. روش نوشتار توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها

آسیای مرکزی، ایران، چین، روابط اقتصادی، سیاست خارجی چندبدراری، قزاقستان.

* E-mail: Svosoughi174@gmail.com

مقدمه

حوزه دریای خزر یا به بیانی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در بسترسازی همکاری‌های اقتصادی ایران و چین اهمیت زیادی دارد و این اهمیت در سال‌های آینده نیز تداوم خواهد داشت. این اهمیت متأثر از چند عامل است. منطقه دریای خزر یکی از مناطق جذاب دارنده انرژی است. سه کشور قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان ۲/۲۵ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت و در حدود ۱۰/۷ درصد ذخایر گازی جهان را دارند. در این بین، قزاقستان با داشتن حدود ۷۸ درصد از ذخایر نفت حوزه خزر در سیاست‌های اقتصادی منطقه، نقش زیادی دارد. منافع سایر بازیگران از جمله روسیه و نقشی که این کشور در منطقه ایفا می‌کند، شایان توجه است. خطوط انتقال انرژی منطقه خزر همه به خطوط سراسری روسیه وصل است. در حال حاضر، برحسب این امتیاز روسیه تمام تلاش خود را انجام می‌دهد تا خطوط انتقال انرژی از خاک روسیه بگذرد که برای روسیه هم منافع اقتصادی و هم منافع ژئوپلیتیک در بر خواهد داشت.

منابع سرشار انرژی و منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی که در منطقه خزر وجود دارد به شکل‌گیری بازی بزرگ جدید در این منطقه منجر شده است. در مورد بازی بزرگ جدید چهار چشم‌انداز مطرح شده که همگی دربردارنده رقابت بر سر منافع ژئوپلیتیک و منافع اقتصادی است. منافع مانند گذشته با یکدیگر هم‌پوشانی ندارند. اولین مورد نشان می‌دهد که رقابت فقط بین ابرقدرت‌هایی مانند چین، آمریکا و روسیه نیست؛ بلکه بین قدرت‌هایی با درجه‌های متفاوتی از توانمندی است؛ دیدگاه دوم حکایت از این می‌کند که فقط یک بازی در جریان نیست؛ بلکه بازی‌های کوچک‌تری هم در بین است؛ نگاه سوم حاکی از این است که بازی در منطقه فقط بین قدرت‌های بزرگ و کوچک نیست؛ بلکه آن را می‌توان بازی بر سر توازن قوا بین قدرت‌های نوظهور منطقه اوراسیا تلقی کرد. سرانجام آخرین نگاه بیان می‌کند که بازی را فقط نمی‌توان به کشورهای بزرگ یا کوچک محدود کرد؛ بلکه در شرایط جدید اقتصاد جهانی شرکت‌های بزرگ چندملیتی با منافع و سهم زیادی که در این بازی دارند در بازی بزرگ منطقه خزر وارد شده‌اند. از این چهار نگاه شاید بتوان به این جمع‌بندی رسید که بازی بزرگ جدید برای کشورهای منطقه خزر برای محدود کردن منافع رقبای خود و محدود کردن سلطه تاریخی روسیه بر مناسبات امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیک منطقه فرصتی به وجود آورده است که آن‌ها را به نقش‌آفرینی جدید در بازی بزرگ جدید وادار می‌کند. این تحولات را باید در شرایطی دید که بازی چندبرداری برای کشورهای منطقه از جمله قزاقستان می‌تواند منافع بیشتری را به ارمغان بیاورد. قزاقستان می‌تواند به‌عنوان پلی بین قدرت‌های اقتصادی شرق و غرب باشد.

هدف این نوشتار واکاوی مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی قزاقستان و بستری است که این سیاست خارجی می‌تواند برای همکاری بیشتر دو کشور ایران و چین در آسیای مرکزی فراهم کند. پرسش نوشتار به این مسئله می‌پردازد که ویژگی‌های اصلی سیاست خارجی قزاقستان چیست و این ویژگی‌ها در چه زمینه‌هایی می‌تواند بر گسترش روابط ایران و چین در آسیای مرکزی تأثیر داشته باشد؟ یافته‌های نوشتار نشان می‌دهد که سه ویژگی، واقع‌گرایی، غیرایدئولوژیک بودن و اولویت فعالیت‌های اقتصادی مهم‌ترین شاخص سیاست خارجی این کشور از زمان استقلال در منطقه آسیای مرکزی بوده است. سه ویژگی که بنابر با اولویت‌های سیاست خارجی ایران و چین در آسیای مرکزی است و با توجه با این موضوع، امنیت، منابع انرژی و حمل‌ونقل سه مؤلفه‌ای است که قزاقستان می‌تواند بسترساز همکاری ایران با چین در آسیای مرکزی باشد. شایان توجه اینکه ابتکار جاده ابریشم جدید که یکی از کارکردهای اصلی اش انتقال خطوط دریایی از راه تنگهٔ مالاگا به خطوط زمینی است و امنیت انرژی را برای چین در شرایط تسلط آمریکا بر تنگهٔ مالاگا را فراهم می‌کند؛ همچنین راهروهای مواصلاتی شرقی و غربی که چین در این ابتکار به‌دنبال محوریت آسیای مرکزی است و موقعیت قزاقستان و ایران و نقش مواصلاتی که این دو کشور در چارچوب راهروهای پیشنهادی می‌توانند بازی کنند، برای چین بسیار مهم است. بر این اساس، قزاقستان در کنار ایران می‌تواند تسهیل‌کنندهٔ پیچیدگی‌های این راهروها و ایجاد رونق در روابط تجاری ایران و چین با منطقهٔ حوزهٔ خزر و خارج از این منطقه باشد. این مهم شاید در چارچوب معادلهٔ چندبرداری که قزاقستان و چین به‌دنبال آن هستند آسان‌تر قابل تبیین باشد که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

چارچوب مفهومی

از سال ۱۹۹۲ راهبرد سیاست خارجی چندبرداری رویکرد تقریباً ثابت و تأییدشدهٔ قزاقستان نسبت به روابط خارجی بوده است. اصطلاح سیاست خارجی چندبرداری برگرفته از مفهوم بردار است که در ریاضی و فیزیک استفاده می‌شود. بردار در اصل یک شیء هندسی است که اندازه و جهت دارد. به عقیدهٔ هنکس «سیاست چندبرداری به سیاستی اشاره دارد که مبتنی بر عمل‌گرایی و غیرایدئولوژیک بودن است. در سیاست خارجی چندبرداری تأمین منافع اهمیت دارد؛ بنابراین ویژگی‌های دولت و سیاست‌های داخلی شریک‌های بالقوه متغیرهایی نیستند که مستقیم یا غیرمستقیم در نگرش چندبرداری تأثیر داشته باشند. پایه‌های این سیاست خارجی بیشتر بر میزان هزینه و فایده برای قزاقستان به‌عنوان یک بازیگر بین دولتی بنا نهاده شده است» (Hanks, 2009: 259).

این نوع سیاست خارجی با مدل واقع‌گرایی ارتباط نزدیکی دارد. در مدل واقع‌گرایی منافع دولت‌ها مهم‌ترین محرک آن‌ها برای اقدام در عرصه سیاست خارجی است. در مدل واقع‌گرایی، دولت‌ها براساس اختیارات و محدودیت‌هایی که در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی برای آن‌ها وجود دارد، اقدام می‌کنند. بر اساس این نگرش دولت‌ها بازیگران عقلانی هستند که با استفاده از تحلیل هزینه-فایده نوع ارتباط خود را با دیگر بازیگران تنظیم می‌کنند (Slaughter, 2011: 4). قزاقستان هم از این قاعده مستثنا نیست. موقعیت محصور در خشکی قزاقستان عمل‌گرایی را به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای همکاری این کشور با همسایگان خود به این کشور تحمیل می‌کند. درک نخبگان سیاسی قزاقستان از توسعه و به‌دست‌آوردن قدرت در منطقه، ناشی از چهار عامل اصلی است: «موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، منابع طبیعی، ملاحظات قومی و نوع رژیم. موقعیت قزاقستان در اوراسیا و داشتن مرز مشترک طولانی با چین و روسیه انتخاب‌های سیاست خارجی قزاقستان را محدود می‌کند» (Clarke, 2015).

کنار گذاشتن ملاحظات ایدئولوژیکی و گسترش روابط خوب با همسایگان و همه بازیگران مهم منطقه‌ای ویژگی دیگر سیاست خارجی چندبرداری قزاقستان است. به گفته نظر بایف، سیاست خارجی چندبرداری به معنی «گسترش روابط دوستانه و قابل اطمینان با همه کشورهای است. با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی منطقه نباید قزاقستان به موضوعات داخلی محدود باشد. از راه سیاست خارجی چندبرداری می‌توانیم ظهور تهدیدها علیه امنیت قزاقستان را کاهش دهیم» (Diyarbakirlioglu and Yiğit, 2014: 73).

نمود آشکار توجه‌نکردن قزاقستان به ملاحظات ایدئولوژیکی و تلاش در جهت گسترش روابط خود با بازیگران فرامنطقه‌ای برای تأمین منافع ملی را می‌توان پس از گسترش بحران اوکراین دید. «بعد از شدیدشدن بحران اوکراین رابطه قزاقستان با روسیه با این احساس که پوتین دو رو و جنگ‌طلب است رو به وخامت گذاشت. اگر پیشتر قزاقستان روسیه را به‌عنوان برادر بزرگ‌تری که هر زمان نیاز داشت، می‌توانست به آن مراجعه کند، تصور می‌کرد؛ بحران اوکراین این تصور را به‌کل از بین برد. قزاقستان به روسیه بدبین شد و بحران اوکراین نشان داد که آن‌ها باید برای همه‌چیز آماده باشند» (International Crisis Group, 2015: 5).

نگرانی مهم قزاقستان بعد از تحولات اوکراین تکرار برنامه کریمه برای قزاقستان در قالب ادعای ملی‌گرایان روس درباره وابستگی تاریخی مناطق شمالی قزاقستان به این کشور است. در میان کشورهای آسیای مرکزی، قزاقستان بیشترین جمعیت روسی را دارد. «این میزان در سال ۲۰۰۷ حدود چهار میلیون نفر بود» (Peyrouse, 2008: 4). در حال حاضر، «از ۱۶ میلیون جمعیت قزاقستان ۲۳/۷ درصد متعلق به افراد روسی است» (Zakem and Others, 2015: 5).

کنار گذاشتن ملاحظات ایدئولوژیکی (با وجود ارتباط نزدیک با روسیه از نظر تاریخی، فرهنگی) تصمیم‌گیران سیاست خارجی قزاقستان نوع روابط خود با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بر پایه راهبرد چندبرداری استوار ساخته‌اند تا در صورتی که از سوی هرکدام از بازیگران تحت فشار قرار گیرند، بتواند هدف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را از راه بازیگران دیگر عملی سازند.

سومین ویژگی سیاست خارجی چندبرداری قزاقستان، اولویت موضوعات اقتصادی است. شکل‌گیری رقابت اقتصادی بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و ظرفیت‌های فراوان اقتصادی آسیای مرکزی، قزاقستان را به‌کارگرفتن رویکردی واقع‌گرایانه برای بهره‌برداری از منابع اقتصادی خود کرده مجبور است. «در موضوع ژئوپلیتیک آسیای مرکزی، روسیه هنوز درگیر تفکر بازی با حاصل جمع صفر در دوران جنگ سرد است. مسکو تمایلی برای دنبال کردن راهبرد برد-برد با غرب ندارد. همکاری آن با چین در مخالفت با اسلام رادیکال و حضور ایالات متحده آمریکا است. روسیه و چین همدیگر را به‌عنوان منبع تهدید می‌شناسند. روسیه تمایلات انرژی و اقتصادی چین را منبع نگرانی می‌داند» (Cohen, 2008: 251).

از رقابت اقتصادی بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی با عنوان بازی بزرگ یاد می‌شود. نخستین مرحله این رقابت که به رقابت شرکت‌های نفتی منجر شد؛ زمانی بود که ترکمنستان از شرکت‌های نفتی خارجی برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز این کشور دعوت کرد. این رقابت بعد از شروع جنگ آمریکا علیه تروریسم از سال ۲۰۰۱ به بعد وارد مرحله جدیدی شد. «بازیگران منطقه‌ای این بازی بزرگ روسیه، ایران، چین، افغانستان، پاکستان و ترکیه هستند. دولت‌هایی که هرکدام از منابع فرهنگی، تاریخی، ژئوپلیتیکی خود برای کنترل منابع انرژی آسیای مرکزی و همچنین بهره‌بردن از موقعیت راهبردی منطقه استفاده می‌کنند. آمریکا در این بازی بزرگ بازیگر فرامنطقه‌ای است» (Fatima and Zafar, 2014: 628). در فضای این محیط رقابتی سیاست خارجی چندبرداری قزاقستان مبتنی بر گسترش تعاملات اقتصادی در جهت بهره‌بردن از ظرفیت‌های منابع طبیعی خود است. ویژگی جغرافیایی این کشور نیز گرایش به این راهبرد را ترغیب می‌کند. قزاقستان برای تعامل با دنیای پیرامون، نیازمند کشورهای پیرامون است و تلاش می‌کند تا از راه روابط اقتصادی متعدد با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تهدیدها علیه امنیت اقتصادی را به حداقل برساند.

سیاست چندبرداری قزاقستان و گسترش روابط ایران و چین در آسیای مرکزی

مهم‌ترین ایده‌ای که در مورد آسیای مرکزی مطرح است، توانایی این منطقه برای تبدیل شدن به قلب مبادلات تجاری بین شرق و غرب است. قزاقستان به دلیل وسعت و ویژگی منحصر به فرد جغرافیایی خود در این منطقه اهمیت زیادی دارد. قزاقستان می‌تواند به‌عنوان پلی بین قدرت‌های اقتصادی شرق و غرب باشد. راه‌های ارتباطی جدید می‌تواند زمان و قیمت کالاهای منتقل شده بین اروپا و آسیا را به نصف کاهش دهد. گسترش این راه‌های ارتباطی و همچنین ایجاد امکانات در خلیج فارس می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای را برای تجارت و بازارهای جدید در جنوب فراهم کند. این اهمیت در کنار سیاست‌های توازن‌بخش و چندوجهی قزاقستان برای گسترش روابط ایران و چین فرصت بسیار مناسبی فراهم می‌کند. امنیت، منابع انرژی و حمل‌ونقل سه مؤلفه‌ای است که قزاقستان می‌تواند بستر ساز همکاری ایران با چین در آسیای مرکزی باشد.

امنیت

به دلیل قرارگرفتن در موقعیت خاص جغرافیایی اولویت سیاست خارجی قزاقستان در قالب سیاست خارجی چندبرداری تأمین امنیت این کشور و تلاش برای حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای است. شکل‌گیری آیین سیاست امنیتی قزاقستان متأثر از برخی عوامل داخلی و خارجی است. «ترکیب قومی و اجتماعی مردم، نیاز به چارچوب روابط اقتصادی با سایر کشورها، نیاز به جذب سرمایه‌گذاری در اقتصاد قزاقستان، شکل‌گیری بازی ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی و ناکافی بودن ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی قزاقستان و نیاز به سیستم امنیت دسته‌جمعی از این عوامل هستند» (Chufirin, 2001: 212). در طول دو دهه گذشته، قزاقستان نه تنها خود را به‌عنوان کشور صلح‌طلب و باثبات نشان داده است؛ بلکه تلاش می‌کند تا در تأمین امنیت منطقه شرکت کند. تحولات اوکراین و مداخله روسیه در این کشور و همچنین طرح عقب‌نشینی نیروهای ناتو از افغانستان مهم‌ترین رویدادهایی هستند که کشورهای آسیای مرکزی از جمله قزاقستان را به تدوین رویکرد جدید نسبت به امنیت آسیای مرکزی ترغیب می‌کند. در این شرایط جدید، چین و ایران نقش بیشتری را می‌توانند در حفظ امنیت منطقه ایفا کنند.

حضور و نقش‌آفرینی چین در تحولات امنیتی آسیای مرکزی و قزاقستان ناشی از دو عامل است: «اول اینکه با توجه به خراب‌شدن وجهه روسیه به‌عنوان شریک امنیتی قزاقستان در پی حمله به اوکراین، قزاقستان به‌دنبال تأمین ثبات منطقه‌ای از راه سایر بازیگران از جمله چین و ایران است. به‌بیان دیگر، چین نگران است که مداخله اقتصادی و حمایت‌های مالی از کشورهای آسیای مرکزی کارساز نباشد و نتواند از گسترش بحران‌های منطقه‌ای

جلوگیری کند. این بحران‌ها می‌توانند بر امنیت مرزها و راهروهای انرژی و تجارت تأثیر مخربی داشته باشند» (Indeo, 2015: 9)؛ دوم، بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که «آمریکا تلاش می‌کند تا چین را در شرق آسیا بلوکه کند و تلاش‌های آن را در جنوب شرق آسیا با مشکل روبه‌رو کند. سیستم اتحاد ایالات متحده آمریکا در شرق آسیا و روابط خوب آن با تعدادی از کشورهای جنوب شرقی آسیا این مسئله را تسهیل می‌کند. در مقابل، آسیای مرکزی فرصت تازه‌ای برای سیاست خارجی چین است و گسترش نفوذ چین در آسیای مرکزی راهی برای تضعیف سیاست‌های غرب برای محاصره چین است» (Swanström, 2015: 3). سیاست خارجی ایران نیز در آسیای مرکزی موازی با اولویت‌های قزاقستان در آسیای مرکزی است. مهم‌ترین هدف‌های سیاسی و امنیتی ایران در آسیای مرکزی عبارت‌اند از «حفظ تمامیت ارضی کشورهای آسیای مرکزی، استقرار صلح و ثبات سیاسی، مهار بحران‌ها و درگیری‌های قومی، جلوگیری از گسترش تروریسم و خطر بنیادگرایی، ایجاد روابط نزدیک سیاسی بر پایه اعتماد متقابل با جمهوری‌های منطقه و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای در قالب سازمان‌هایی مانند اگو و سازمان کشورهای ساحلی دریای خزر» (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

مهم‌ترین بستر همگرایی امنیتی قزاقستان با چین و ایران در موضوعات امنیتی آسیای مرکزی سازمان همکاری شانگهای است. این سازمان که در سال ۲۰۰۱ تأسیس شده است به دنبال همکاری کشورهای عضو در موضوعات امنیتی است. قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان ترکمنستان، تاجیکستان، چین و روسیه اعضای اصلی این سازمان هستند. ایران نیز عضو ناظر این سازمان است. قزاقستان و چین به‌عنوان اعضای اصلی آن، از عضویت کامل ایران در این سازمان حمایت می‌کنند. عضویت کامل ایران در سازمان، منافع متقابل دارد. «عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند شکستی بر سیاست‌های آمریکا علیه ایران و چین باشد. با این عضویت، ایران از انزوای خارج می‌شود و چین می‌تواند پیروزی ارزشمندی علیه غرب به‌دست آورد. همچنین عضویت ایران، کشوری که ظرفیت اقتصادی بالا و منابع انرژی غنی دارد، می‌تواند برای سایر کشورهای سازمان از جمله قزاقستان سودمند باشد. عضویت کامل ایران می‌تواند پل ارتباطی بین خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز باشد. این موضوع نفوذ، توانایی و اعتبار سازمان همکاری شانگهای را ارتقا می‌دهد» (Akbarzadeh, 2014: 94).

برای قزاقستان نقش‌آفرینی در سازمان همکاری شانگهای موضوع مهمی در سیاست خارجی چندوجهی این کشور است. سازمان همکاری شانگهای ابزار مناسبی برای قزاقستان در جهت دستیابی به هدف‌های ژئوپلیتیکی است. «از دید قزاقستان سازمان همکاری شانگهای تسریع‌کننده هدف این کشور برای به‌دست‌آوردن نقش مناسب در امور بین‌المللی معاصر است»

(Baizakova, 2013: 75). نقش سازنده چین و قزاقستان در سازمان همکاری شانگهای و حمایت آن‌ها از حضور ایران در این سازمان برای گسترش روابط امنیتی بین سه کشور بستر مناسبی است. در سطح بین‌المللی ایران و چین از دولت‌هایی هستند که تجدیدنظر در نظام بین‌الملل را می‌خواهند و به دنبال فراهم کردن زمینه‌های نظم چندقطبی در امور بین‌المللی هستند. «نظام چندقطبی شرایطی است که در آن موقعیت ایالات متحده آمریکا و روسیه تنزل می‌یابد و در مقابل، نقش آفرینی سایر بازیگران از جمله چین و حتی ایران در نظام بین‌الملل افزایش می‌یابد» (Garver, 2016: 200). در سطح منطقه‌ای نیز تمایل کشورهای آسیای مرکزی از جمله قزاقستان برای تأمین امنیت آسیای مرکزی، سازمان همکاری شانگهای را به سازمانی تبدیل می‌کند که با عضویت کامل ایران می‌تواند نقش ویژه‌ای را برای رویکرد امنیتی جدید کشورهای آسیای مرکزی ایفا کند.

منابع انرژی

تلاش قزاقستان برای رشد اقتصادی در منطقه آسیای مرکزی عامل دیگری برای همکاری ایران و چین در آسیای مرکزی است. بعد از رفع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و برداشته شدن تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه برنامه هسته‌ای ایران فرصت مناسبی برای همکاری سه کشور در زمینه اقتصادی به ویژه منابع انرژی به وجود آمده است. نیاز قزاقستان به رشد اقتصادی در دو جهت تسهیل‌کننده همکاری ایران و چین در زمینه انرژی است.

الف) حمل و نقل منابع انرژی و نقش ژئوپلیتیکی ایران

قزاقستان ۱۷۲ میدان نفتی و ۴۲ میدان گازی در اطراف دریای خزر دارد که میزان تولید آن‌ها در سال ۲۰۱۳ در حدود ۸۱/۸ میلیون تن بود. بیش از ۵۰ درصد از تولیدات نفتی قزاقستان از سه میدان نفتی تنگیز، کاشغان غره، چاگانک استخراج می‌شود. ۸۵ درصد از تولیدات نفتی قزاقستان برای صادرات است (Karatayev and Clarke, 2014: 99). همچنین براساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا، در سال ۲۰۱۵ تولید نفتی قزاقستان به ۱/۷۲ میلیون بشکه در روز رسید. در سال ۲۰۱۶ این میزان تولید، تغییری پیدا نکرد و در ۱/۷۲ میلیون بشکه ثابت بود. اداره اطلاعات انرژی پیش‌بینی کرده است که در سال ۲۰۱۷ رشد تولید نفت در قزاقستان در سه ماهه اول به ۱/۷۶ میلیون بشکه در روز و در ادامه سال به ترتیب به ۱/۷۵، ۱/۷۴ و ۱/۷۳ میلیون بشکه در روز برسد (Kazinform, 2016). با این وجود، قزاقستان کشور محصور در خشکی است. هزینه حمل و نقل برای این کشور بالاست. نبود مسیرهای صادراتی تنگنای زیادی برای طرح‌های توسعه‌ای قزاقستان ایجاد می‌کند. در حال حاضر، قزاقستان صادرات نفتی خود را از راه خطوط لوله، تانکر و مسیرهای ریلی انجام می‌دهد. قزاقستان به دنبال کاهش

هزینه‌های صادراتی از راه ایران است. «ایران ۵ میلیون تن از نفت خام خود را از راه بندر آکتائو صادر می‌کند. به دلیل اهمیت مبادله انرژی، قزاقستان به دنبال ساخت پالایشگاه مشترک با ایران در غرب قزاقستان است. نفت از غرب قزاقستان به بندرهای شمالی ایران فرستاده می‌شود و از طرف دیگر بندرهای جنوبی نفت خام را برای شرکت‌های نفتی قزاقستان فراهم خواهند کرد» (Urazova, 2015).

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در چشم‌انداز راهبردی چین نیز مؤثر است. موقعیت ایران بین مناطق آسیای مرکزی و منطقه خاورمیانه به عنوان مهم‌ترین منابع تأمین‌کننده انرژی جهان برای چین اهمیت زیادی دارد. چین به دنبال مسیرهای کوتاه و اقتصادی برای تجارت با جهان است و ایران این برتری را برای چین فراهم می‌کند. «موقعیت ایران در مسیر تجاری چین با اروپا و غرب است. نزدیکی ایران به خلیج فارس و دریای عمان مهم‌ترین عامل تحریک‌کننده چین برای ارتباط نزدیک با ایران در سال‌های آتی به ویژه در قالب طرح «یک کمربند، یک راه» است» (Ramachandran, 2016: 2). در جهت تأمین منابع انرژی، چین به دنبال کوتاه کردن مسیر انتقال منابع انرژی از راه روابط با ایران و قزاقستان است. «سرمایه‌گذاری چین در خطوط لوله نفت و گاز از حوزه دریای خزر به سمت چین و سرمایه‌گذاری بر روی خطوط لوله نفت یک هزار کیلومتری از قزاقستان به سمت غرب چین و تلاش برای متصل کردن خطوط لوله قزاقستان به شبکه انرژی ایران از این اقدامات است» (Mafinezam and Mehrabi, 2008: 83).

ب) تأمین امنیت انرژی

امنیت انرژی به معنای منابع انرژی قابل اعتماد، حمل و نقل ایمن و قیمت باثبات است. برای اطمینان از این سه عامل مهم در بحث امنیت انرژی، همکاری کشورهای تولیدکننده، انتقال‌دهنده و مصرف‌کننده انرژی کافی نیست. راهبرد امنیت انرژی نیازمند تقویت همکاری‌های چندجانبه، منافع مشترک و راه‌حل‌های برد-برد است. این هدف تنها از راه همکاری‌های چندجانبه برای تأمین عرضه جهانی انرژی به دست می‌آید (Huirong and Hongwei, 2012: 2). قزاقستان به عنوان صادرکننده منابع انرژی با هدف تأمین امنیت انرژی نیازمند همکاری با کشورهای مختلف از جمله ایران و چین است. در بخش انرژی، چین مهم‌ترین شریک تجاری قزاقستان است و ابتکارهای چین در حوزه انرژی بر صادرات انرژی و در نتیجه، رشد اقتصادی این کشور تأثیر زیادی دارد. از سوی دیگر سیاست‌های چین در حوزه انرژی در مناطق مختلف از جمله در خلیج فارس، آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر به همکاری ایران نیازمند است.

مهم‌ترین خطوط لوله از سوی آسیای مرکزی به سوی چین، خط لوله گاز آسیای مرکزی- چین و خط لوله نفت قزاقستان- چین است. چین برنامه‌ریزی کرده است تا در سال‌های آتی واردات خود از آسیای مرکزی را افزایش دهد. با این وجود، «توسعه بیشتر طرح‌های خط لوله‌های انرژی چین در آسیای مرکزی نیازمند درگیرشدن چین در خط انرژی چین - خلیج فارس در پایانه‌های انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس است. این راهروهای انرژی سرانجام می‌تواند چین را در مرکز پل انرژی جهانی قرار دهد. این ظرفیت می‌تواند عرضه‌کنندگان موجود و بالفعل (کشورهای خلیج فارس، آسیای مرکزی و روسیه) را به مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی (چین، ژاپن، کره) نزدیک کند» (Fazilov and Chen, 2013: 40).

چشم‌انداز مصرف منابع انرژی برای سال‌های آتی و نیازمندی کشورهای صنعتی از جمله چین به این منابع دیگر عامل تأثیرگذار بر روابط قزاقستان، چین و ایران است. برای نمونه «مصرف گاز طبیعی چین از ۱۸۵/۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۵ به ۴۹۵/۳ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید» (Carter, 2014: 43). ایران و قزاقستان در چشم‌انداز تأمین و توسعه این منابع انرژی نقش مهمی دارند. درحالی‌که قزاقستان از کشورهای مهم تولیدکننده گاز طبیعی است، این کشور ترجیح می‌دهد تا نقش مهمی در حمل و نقل انرژی در حوزه آسیای مرکزی و دریای خزر ایفا کند. «مصرف داخلی از جمله در زمینه صنایع تولیدی، مصارف خانگی و نیز تزریق گاز در میدان‌های نفتی و همچنین نبود زیرساخت‌های اساسی صادرات گاز از موانع اساسی قزاقستان برای صادرات گاز در مقیاس بزرگ است» (Ögütçü, 2007: 8). از سویی، ایران به‌عنوان یکی از کشورهای غنی از نظر منابع انرژی به‌ویژه گاز، در راهبرد انرژی چین در جهت حفظ ثبات انرژی باقیمت مناسب و اطمینان از جریان انرژی به‌سمت بندرهای این کشور، نقشی اساسی دارد. در نگاه چین ایران می‌تواند در عرضه انرژی کارکرد دوگانه داشته باشد: «اول، ایران از منابع غنی انرژی بهره‌مند است و می‌تواند یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان منابع نفت و گاز چین باشد؛ دوم، از راه نقش‌آفرینی در حمل و نقل و قیمت جهانی این مواد خام، هزینه‌های انرژی چین را تعدیل کند» (Chen, 2014: 43).

نیاز راهبردی چین به منابع انرژی موازی با نگرش ایران نسبت به صادرات منابع انرژی از جمله نفت و گاز است. ایران به‌دنبال افزایش سهم خود در بازارهای جهانی انرژی باوجود قیمت پایین این محصولات است. در این شرایط ایران می‌تواند مهم‌ترین تأمین‌کننده منابع انرژی برای چین باشد. تمایل چین برای برقراری ارتباط با ایران و سفر رئیس‌جمهور چین به ایران در سال ۲۰۱۶ نشان‌دهنده تمایل چین برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در ایران و گسترش همکاری‌ها در بخش‌های مختلف از جمله نفت و گاز است. چین در فضای پس از توافق ایران با کشورهای هسته‌ای با هدف گسترش روابط با ایران گام‌هایی را برداشته است. برای نمونه،

«شرکت‌های چینی قراردادی به ارزش ۲ میلیارد دلار در زمینه لوله‌گذاری طبیعی بین ایران و پاکستان امضا کرده‌اند. همچنین دو کشور ایران و چین توافق‌نامه‌ای به ارزش ۱۰ میلیارد دلار برای ساخت دو نیروگاه هسته‌ای در جنوب شرقی ایران و همچنین بازطراحی و نوسازی راکتور آب‌سنگین اراک امضا کردند. دو کشور می‌خواهند تا سال ۲۰۲۶ تجارت دوجانبه خود را به ۶۰۰ میلیارد دلار برسانند» (Wuthnow, 2016: 3).

حمل و نقل

مهم‌ترین هدف قزاقستان تا سال ۲۰۲۰ در حوزه حمل و نقل توسعه سیستم حمل و نقل این کشور در جهت ادغام در سیستم حمل و نقل بین‌المللی و افزایش حجم ترافیک حمل و نقل این کشور است. در این راستا، توجه قزاقستان به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و چین است. منافع حمل و نقل ایران در آسیای مرکزی متأثر از تجارت اقتصادی و موقعیت جغرافیایی این منطقه است. ایران به دنبال ارتباط مستقیم با کشورهای آسیای مرکزی است و بیشتر تمایل دارد تا بندرها دریایی خود را به محلی برای حمل و نقل کالا از کشورهای آسیای مرکزی تبدیل کند. در حال حاضر، «راه آهن مشترک قزاقستان- ترکمنستان- ایران می‌تواند سالانه حدود ۱۲ میلیون تن کالا را انتقال دهد و راهی برای ارتباط ایران با چین است. راهروی حمل و نقل از بکستان- ترکمنستان- ایران و عمان که تا سال ۲۰۲۰ تکمیل می‌شود، دوشاخه (شاخه اول از جمهوری آذربایجان و شاخه دوم از مرزهای قزاقستان عبور می‌کند) تأمین‌کننده منافع ایران در آسیای مرکزی دارد» (Ordabayev, 2015: 38).

هدف‌های بلندمدت قزاقستان در حوزه حمل و نقل توسعه راهروهای حمل و نقل و کاهش هزینه‌های تمام‌شده برای کالاهای اقتصادی این کشور است. برای سال‌های آتی قزاقستان به دنبال بهره‌برداری از برتری‌های راه‌های ارتباطی منتهی به همسایگان است که در این زمینه چین و ایران برای قزاقستان اهمیت زیادی دارند. برای سال‌های آتی قزاقستان تلاش می‌کند تا ظرفیت حمل و نقل خود از راه «راهروی شمالی راه آهن ماوراء آسیا (که شامل غرب اروپا، چین، شبه جزیره کره و ژاپن است و از روسیه و قزاقستان عبور می‌کند) راهروی جنوبی این راه آهن (شامل جنوب شرقی اروپا، چین، جنوب شرقی آسیا که از ترکیه، ایران و کشورهای آسیای مرکزی عبور می‌کند) راهروی حمل و نقل اروپا- قفقاز- آسیا (شامل آسیای مرکزی، دریای سیاه، قفقاز و دریای خزر) و راهروی شمال- جنوب (شامل شمال اروپا، خلیج فارس که از روسیه، ایران و قزاقستان عبور می‌کند)» (Erniyazova and Others, 2014: 121) بالا ببرد.

دو عامل گسترش روابط حمل و نقل ایران و قزاقستان در فضای پس از تحریم را تقویت می‌کند: اول «آگاهی ایران و قزاقستان از نتایج مثبت و ظرفیت طرح‌های یک‌پارچه‌سازی منطقه

در فضای پس از تحریم، قزاقستان به عنوان کشور محصور در خشکی بین روسیه و چین و ایران به عنوان کشوری که سال‌ها تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی را تجربه کرده است فرصت ویژه‌ای برای بهره‌برداری از منافع همکاری مشترک دارند» (Ögütçü, 2016: 2)؛ دوم دیدگاه مثبتی است که سیاست‌گذاران قزاقستان از جمله نور سلطان نظربایف به ایران و موقعیت ممتاز منطقه‌ای آن دارند. «نظربایف در کتاب خود، راه قزاقستان به اولین سفر خود به ایران اشاره کرده است و اشاره می‌کند که راه‌های ایران یکی از مهم‌ترین راه‌های حمل‌ونقل کالا از قزاقستان به بازارهای جهانی و پنجره‌ای رو به دنیا است» (Koolae and Others, 2014: 95). در فضای پس از تحریم که موانع اقتصادی ایران تا حد زیادی از بین رفته است، قزاقستان به دنبال راه‌اندازی دوباره چندین طرح به‌ویژه در زمینه حمل‌ونقل و معاوضه نفت است. «در این شرایط قزاقستان به یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان غلات به ایران تبدیل خواهد شد. قزاقستان به افزایش حضور در ایران از راه حمل‌ونقل دریایی و همچنین ساخت پایانه غلات در بندرها ایران امید دارد» (Peyrouse, 2014: 6).

نقش آفرینی چین در حوزه حمل‌ونقل آسیای مرکزی نسبت به ایران بالاتر است. علت اینکه در سطح اقتصادی فعالیت‌ها و موفقیت ایران در سطح متوسط بوده است تا حدی به این دلیل است که «اقتصاد ایران محدودیت‌هایی دارد و بنابراین قادر به سرمایه‌گذاری‌های زیاد در طرح‌های توسعه این جمهوری یا شرکت در طرح‌های مشترک با دیگر کشورها برای توسعه این منطقه نیست. از سویی، مهم‌ترین مشکل سیاست خارجی ایران که تا حد زیادی روابط ایران را با همسایگان و سایر کشورهای جهان تحت تأثیر قرار داده است رابطه ضدژئومونیک ایران با نظام بین‌الملل و ایالات متحده آمریکا بوده است» (سنایی و عطری سنگری، ۱۳۹۰: ۲۸). توافق ایران با کشورهای ۱+۵ و رفع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران فرصت بسیار مغتنمی برای ایران برای گسترش مناسبات خود با آسیای مرکزی به‌ویژه با قزاقستان است. گسترش مناسبات ایران با آسیای مرکزی به‌ویژه با قزاقستان در سال‌های آتی نیازمند مشارکت ایران در طرح‌های حمل‌ونقل آسیای مرکزی از جمله طرح‌های ابتکاری چین است.

کمربند اقتصادی جاده ابریشم مهم‌ترین طرح اقتصادی چین برای کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه قزاقستان است. این طرح به‌وسیله رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۱۳ و در قزاقستان معرفی شد. مهم‌ترین ابعاد طرح کمربند اقتصادی جاده ابریشم عبارت بودند از: ۱. تقویت همکاری‌های سیاسی که به همکاری‌های اقتصادی منجر شود؛ ۲. تقویت همکاری‌های ارتباطی با ایده اصلی تأسیس راهروی حمل‌ونقل از پاسیفیک تا دریای بالتیک و از آسیای مرکزی تا اقیانوس هند که در نهایت به شبکه ارتباطی بین شرق، غرب و جنوب آسیا منجر می‌شود؛ ۳. تقویت امکانات تجاری باهدف کاهش موانع تجاری و برداشتن قدم‌هایی برای کاهش

هزینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری؛ ۴. تقویت همکاری‌های پولی و ارزی به‌ویژه حل اختلاف‌های ارزی؛ ۵. تقویت رابطه مردم با مردم (Karluk and Karaman, 2014: 733). «چین حدود ۴۰ میلیارد دلار برای ساخت زیرساخت‌های راه ابریشم برای ارتباط بهتر آسیا متعهد شده است» (Kuchins and Others, 2015: 10).

ابتکار عمل دیگر چین در منطقه آسیای مرکزی برنامه همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای مرکزی است. این برنامه در سال ۲۰۰۱ در نشست مقامات ارشد کشورهای چین، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و جمهوری آذربایجان شروع به کار کرد. در دهمین کنفرانس سالانه وزرای خارجه در سال ۲۰۱۱ وزرای خارجه چشم‌انداز همکاری‌های منطقه‌ای را در قالب چارچوب راهبردی برای همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای مرکزی ۲۰۲۰-۲۰۱۱ تصویب کردند. یکی از مفاد که در نشست وزرای خارجه در سال ۲۰۱۱ به‌عنوان اولویت کشورهای عضو برنامه، تصویب شد، همکاری برای تشکیل راهروی توسعه اقتصادی بود. در چارچوب برنامه همکاری اقتصادی آسیای مرکزی این راهرو شامل سه بخش است: ۱. راهروی حمل‌ونقل (تضمین ارتباطات چه در داخل کشور، چه در منطقه و بیرون از منطقه)؛ ۲. راهروی عبور و مرور (فراهم کردن زمینه‌های عبور و مرور مطمئن از راه کشورها)؛ ۳. راهروی اقتصادی (تقویت فعالیت سازمان‌های اقتصادی برای ایجاد شغل، افزایش تولید، تقویت شاخصه‌های اقتصادی و کمک به توسعه اقتصادی کشورها (Asian Development Bank, 2014: 5). طرح مهم برنامه همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای مرکزی در قالب شش راهرو عملی خواهد شد: راهروی شماره ۱: اروپا و آسیا را از راه روسیه، قزاقستان و قرقیزستان به یکدیگر متصل می‌کند؛ راهروی شماره ۲: قفقاز و مدیترانه را به شرق آسیا متصل می‌کند؛ راهروی شماره ۳: فدراسیون روسیه را به خاورمیانه و جنوب آسیا متصل می‌کند؛ راهروی شماره ۴: روسیه را از راه مغولستان و چین به شرق آسیا متصل خواهد کرد؛ راهروی شماره ۵: شرق آسیا را به خاورمیانه و جنوب آسیا متصل خواهد کرد؛ راهروی شماره ۶: اروپا و روسیه را به خاورمیانه و جنوب آسیا متصل می‌کند (CAREC Program Corridors, 2015).

نتیجه

قزاقستان از کشورهایی است که در شکل‌گیری تعاملات سیاسی و اقتصادی منطقه آسیای مرکزی نقش مهمی دارد. از زمان بازتجدید رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی در منطقه آسیای مرکزی در قالب بازی بزرگ در منطقه، قزاقستان یکی از برندگان اصلی در همه زمینه‌ها از جمله موضوع ثبات و شکوفایی منطقه‌ای و جهانی بوده است. قزاقستان این نگرش را در قالب سیاست خارجی چندبرداری پیاده کرده است تا از این راه با همه بازیگران منطقه‌ای

و فرامنطقه‌ای ارتباط نزدیک داشته باشد. گستره بزرگ سرزمینی و منحصربه‌فرد، برای قزاقستان در زمینه توانایی این کشور برای برقراری ارتباط بین شرق و غرب، انتقال کالا بین چین و اروپا و همچنین برقراری ارتباط با ایران و خلیج فارس موقعیت ویژه‌ای را فراهم کرده است.

سیاست خارجی چندبرداری قزاقستان چند ویژگی دارد که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند چین و ایران را نسبت به همکاری با این کشور ترغیب می‌کند. واقع‌گرایی، غیرایدئولوژیک بودن و اولویت اقتصاد از ویژگی‌های سیاست خارجی قزاقستان است. چین و ایران از بازیگران مهم در آسیای مرکزی هستند و نقش آفرینی آن‌ها در تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه آسیای مرکزی در آینده این منطقه نقش مهمی دارد. چین و ایران در تلاش خود برای نفوذ در آسیای مرکزی برای قزاقستان نقش ویژه‌ای قائل هستند. چین از راه همکاری با قزاقستان، کشوری که چین، روسیه، آسیای مرکزی و دریای خزر را از راه زمین و همچنین ایران، خاورمیانه و شرق اروپا را از راه دریای داخلی به یکدیگر متصل می‌کند، پکن به دنبال تأکید بر این موضوع است که این کشور به دنبال همکاری با کشورهایایی است که نگران پایداری‌های خود نسبت به ابتکارهای ژئوپلیتیکی چین باشند. برای ایران نیز قزاقستان به عنوان یک کشور مهم در آسیای مرکزی و حتی در تعاملات بین‌المللی اهمیت دارد. ویژگی‌های داخلی و منطقه‌ای و اهمیت جغرافیایی قزاقستان در حوزه دریای خزر در توسعه روابط ایران و قزاقستان نقش مهمی دارد. همچنین اگرچه قزاقستان شریک دوم اقتصادی ایران در آسیای مرکزی است؛ ولی در حوزه مبادلات غیرنفتی، قزاقستان شریک اول ایران است.

نقش قزاقستان در آسیای مرکزی و تمایل آن برای همکاری با کشورهای مختلف از جمله چین و ایران برای گسترش همکاری‌های آتی ایران و چین در آسیای مرکزی بستر مناسبی است. اهمیت این همکاری‌ها برای هر دو طرف زمانی مشخص می‌شود که نقش و منافع سایر بازیگران منطقه‌ای مانند روسیه و ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی تعریف شود. در مورد روسیه دلایل روشن و ملموسی وجود دارد که مسکو آسیای مرکزی را از دیدگاه مراکز انرژی و حمل‌ونقل ثابت دوران اتحاد شوروی نگاه کند. کشورهای منطقه آسیای مرکزی در این بستر رشد و توسعه پیدا کرده‌اند و همکاری‌های منطقه‌ای آن‌ها باید با توجه به این موضوع (وابستگی آن‌ها به حوزه نزدیک روسیه) صورت بگیرد. تلاش روسیه برای متصل کردن خطوط انتقال انرژی در آسیای مرکزی به خطوط انتقال نفت و گاز خود و برنامه‌ریزی برای عبور خطوط لوله انتقال انرژی آتی از خاک روسیه نشان‌دهنده این موضوع است.

آسیای مرکزی برای آمریکا نیز اهمیت دارد. محیط جغرافیایی این منطقه در نزدیکی قدرت‌های بزرگ جهانی از جمله روسیه و چین و ایران و نیز نزدیکی آن به افغانستان و پاکستان به‌عنوان منبع مهم فعالیت‌های تروریستی در شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا در این منطقه اهمیت دارد. ظرفیت‌های اقتصادی و حمل‌ونقلی منطقه آسیای مرکزی از جمله در پیشبرد ابتکار جاده ابریشم جدید آمریکا باهدف برقراری ارتباط بین آسیای مرکزی با هند، پاکستان و افغانستان دیگر عامل تأثیرگذار بر نقش‌آفرینی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی است. با توجه به بازتجدید بازی بزرگ در منطقه آسیای مرکزی، گسترش همکاری کشورهایمانند ایران و چین در آسیای مرکزی در سال‌های آتی ضروری به‌نظر می‌رسد. هر دو کشور به‌ویژه ایران برای ارتقای سیاست‌های منطقه‌ای خود به شریک‌هایی نیاز دارند که از راه به‌وجود آوردن توازن منطقه‌ای بتوانند منافع خود را تأمین کنند. چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، قزاقستان از کشورهایی است که از زمان بازتجدید این بازی بزرگ از برندگان اصلی این بازی بوده است.

منابع

الف) فارسی

۱. سنایی، مهدی و فاطمه عطری سنگری (۱۳۹۰)، «مقایسه تحلیلی سیاست خارجی ایران و روسیه در آسیای مرکزی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۴، شماره ۹، صص ۲۱-۳۸.
۲. عطایی، فرهاد و اعظم شیبانی (۱۳۹۰)، «زمینه‌های همکاری ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۴، شماره ۸، صص ۱۵۱-۱۳۱.

ب) انگلیسی

1. Akbarzadeh, Sh. (2014), "Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Ideology and Real Politikin Iranian Foreign Policy", *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 69, No. 1, pp. 88-103.
2. **Asian Development Bank** (2014), "Operationalizing Economic Corridors in Central Asia: a Case Study of the Almaty-Bishkek", *Publication Stock*, No. RPT157061-3, pp. 1-65.
3. Baizakova, K. (2013), "The Shanghai Cooperation Organization's Role in Countering Threats and Challenges to Central Asian Regional Security", *Russian Politics and Law*, Vol. 51, No. 1, pp. 59-79.

4. **CAREC 2020 Strategic Framework** (2015), Available at: <http://www.carecprogram.org/index.php?page=carec2020-strategic-framework>, (Accessed on: 27/4/2016).
5. **CAREC Program Corridors** (2015), Available at: <http://www.carecprogram.org/index.php?page=carec-corridors>, (Accessed on: 27/4/2016).
6. Carter, S. (2014), "Iran, Natural Gas and Asia's Energy Needs: a Spoiler for Sanctions", **Middle East Policy**, Vol. 21, No. 1, pp. 41-61.
7. Chen, W. (2014), "China's Oil Strategy: "Going Out" to Iran", **Asian Politics and Policy**, Vol. 2, No. 1, pp. 39-54.
8. Chufrin, G. (2001), **Kazakhstan's Security Policy in the Caspian Sea Region**, London: Oxford University Press.
9. Clarke, M. (2015), "Kazakhstan's Multi-Vector Foreign Policy: Diminishing Returns in an Era of Great Power "Pivots"?", Available at: <http://www.theasanforum.org/kazakhstans-multi-vector-foreign-policy-diminishing-returns-in-an-era-of-great-power-pivots/>, (Accessed on: 9/4/2016).
10. Cohen, A. (2008), "The Future of Kazakhstan's Foreign Policy", **Central Asia Foreign Policy Institute**, Report No. 12, pp. 250-270.
11. Diyarbakirlioglu, K. and S. Yiğit (2014), "Kazakh Multi-Vector Foreign Policy in Action Alternatives", **Turkish Journal of International Relation**, Vol. 13, No. 4, pp. 71-82.
12. Erniyazova, Z., L. Kazbekova and A. Mukhanova (2014), "Particularities of Formation of Transport-Transit Cargo-Traffic in the Republic of Kazakhstan", **Life Science Journal**, Vol. 11, No. 2, pp. 121-124.
13. Fatima, Q. and S. Zafar (2014), "New Great Game: Players, Interests, Strategies and Central Asia", **South Asian Studies**, Vol. 29, No. 2, pp. 627-655.
14. Fazilov, F. and X. Chen (2013), "China and Central Asia: a Significant New Energy Nexus", **The European Financial Review**, Vol. 4, No. 2, pp. 38-43.
15. Garver, J. W. (2016), "China and Iran: Expanding Cooperation under Conditions of US Domination", In: N. Horesh (eds), **Toward Well-Oiled Relations?**, The Nottingham China Policy Institute Series, London: Palgrave Macmillan, pp. 180-205.
16. Hanks, R. R. (2009), "Multi-Vector Politics' and Kazakhstan's Emerging Role as a Geo-Strategic Player in Central Asia", **Journal of Balkan and Near Eastern Studies**, Vol. 11, No. 3, pp. 257-267.
17. Huirong, Zh. and W. Hongwei (2012), "China's Energy Policy towards the Caspian Region: 1 the Case of Kazakhstan", **The Newsletter**, No. 62, pp. 1-2.
18. Indeo, F. (2015), "China as a Security Provider in Central Asia Post 2014: a Realist Prospective", **Central Asia Security Policy**, Norwegian Institute of International Relation, No. 17, pp. 1-23.

19. **International Crisis Group** (2015), "Stress Tests for Kazakhstan", Europe and Central Asia Briefing, No. 74, pp. 1-12.
20. Karatayev, M. and M. Clarke (2014), "Current Energy Resources in Kazakhstan and the Future Potential of Renewables: a Review", **Energy Procedia**, Vol. 59, pp. 97-104.
21. Karluk, S. and S. Karaman (2014), "Bridging Civilizations from Asia to Europe: The Silk Road", **Chinese Business Review**, Vol. 13, No. 12, pp. 730-739.
22. **Kazinform** (2016), "US Increases Kazakhstan's Oil Production Forecast", Available at: http://www.inform.kz/en/us-increases-kazakhstan-s-oil-production-forecast_a2925102, (Accessed on: 20/1/2017).
23. Kooalee, E., A. Ebrahimi, Simin Shirazi Mougouee (2014), "Iran and Kazakhstan Relations: a Geopolitical Analysis", **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 4, No. 1, pp. 89-112.
24. Kuchins, A., J. Mankoff, A. Kourmanov, and O. Backes (2015), "Central Asia in a Reconnecting Eurasia", **CSIS (Center for Strategic and International Studies)**, a Report of the CSIS Russia and Eurasia Program, pp. 1-44.
25. Mafinezam, A. and A. Mehrabi (2008), **Iran and its Place among Nations**, Westport, Connecticut, United States: Greenwood Publishing Group.
26. Ögütçü, M. (2007), "Kazakhstan's Expanding Cross-Border Gas Links Implications for Europe, Russia, China and other CIS Countries", **Erasmus Energy Library**, No. 12, pp. 1-20.
27. Ögütçü, O. (2016), "Iran, Kazakhstan, Turkmenistan and China: Regional Connectivity", **Center for Eurasian Studies (AVIM)**, No. 9, pp. 1-4.
28. Ordabayev, A. (2015), "The Geopolitics of Transport Corridors in Central Asia", **The Institute of World Economics and Politics (IWEP)**, Working Paper No. 24, pp. 1-44.
29. Peyrouse, S. (2008), "The Russian Minority in Central Asia: Migration, Politics, and Language", **Woodrow Wilson International Center for Scholars**, Occasional Paper, No. 297, pp. 1-18.
30. Peyrouse, S. (2014), "Iran's Growing Role in Central Asia? Geopolitical, Economic and Political Profit and Loss Account?", **Aljazeera Center for Studies**, pp. 1-11.
31. Ramachandran, S. (2016), "**China Eyes Iran's Potential as a Trade Corridor**", **The Central Asia-Caucasus Analyst**, No. 2, pp. 1-5.
32. Slaughter, A. (2011), "International Relations, Principal Theories", in: R. Wolfrum (ed.), **Max Planck Encyclopedia of Public International Law**, England: Oxford University Press.
33. Swanström, N. (2015), "The Security Dimension of the China-Central Asia Relationship: China's Military Engagement with Central Asian Countries",

-
- Institute for Security and Development Policy**, ISDP Briefing, No. 18, pp. 1-16.
34. Urazova, D. (2015), "Next Oil Refinery in Kazakhstan to be Built together with Iran", Available at: <https://en.tengrinews.kz/-261261/>, (Accessed on: 25/4/2017).
35. Wuthnow, J. (2016), "Posing Problems without an Alliance: China-Iran Relations after the Nuclear Deal", **INSS (Institute for National Strategic Studies)**, Report No. 290, pp. 1-12.
36. Zakem, V., P. Saunders and D. Antoun (2015), "Mobilizing Compatriots: Russia's Strategy, Tactics and Influence in the Former Soviet Union", **CAN (Not-for-Profit Research Organization)**, pp. 1-60.